

ناگهان شعر



آر است بهار، کوی و دروازه خویش  
افگند به باغ و راغ آوازه خویش  
بنمای بهار را رخ تازه خویش  
تابشناد بهار، انداز ه خویش

سنایی



اندر دل من مها، دل افروز تویی  
یاران هستند و لیک دلسوز تویی  
شادند جهانیان به نوروز و به عید  
عید من و نوروز من امروز تویی

مولانا



به بهار، جهان تازه گشت و خرم گشت  
درخت سبز غلم گشت و خاک مُلّم گشت  
نسیم نیم‌شبان جبرئیل گشت مگر  
که بیخ و شاخ در ختان خشک مریم گشت

کسایی مروزی



ای آن که ز عشق تو مرانیست قرار  
زین بیش به دست غصه خاطر مسپار  
بر هر بدو نیک پرتواند از چو مهر  
بر ناخوش و خوش گذر تو چون باد بهار

رضی الدین آرتیمانی



عزیزان موسم جوش بهار  
چمن پر سبزه، صحرا لاله زار  
دمی فرصت غنیمت دان در این فصل  
که دنیای دنی بی اعتباره

باباطاهر

غلط نویسیم

ار عاب/ این واژه که در زبان فارسی به معنی ترساندن و ترسانیدن به کار می رود، در متون معتبر عربی به کار نرفته است اما عربی زبانان معاصر آن را به کار می برند.

ارکستر موسیقی/ ارکستر (orchestre) به گروهی که یک قطعه موسیقی را اجرا می کنند گفته می شود. بنابر این هنگام گفتن آن نیازی به ذکر «موسیقی» نیست.

بر گرفته از کتاب «فرهنگ درست نویسی سخن» تألیف استاد حسن انوری

# تعالی بخش جایگاه زبان فارسی در ادبیات داستانی

به مناسبت زادروز نادر ابراهیمی، نویسنده معاصر و خالق رمان محبوب «آتش بدون دود»، از خدمات او به زبان فارسی از طریق داستان نویسی نوشته ایم



الهه آرانیان

culture@khorasannews.com

اگر نادر ابراهیمی زنده بود، امروز ۸۸ ساله می شد؛ داستان نویسی محبوب معاصر که کتاب هایش هنوز هم پس از گذشت ۱۶ سال از درگذشتش همچنان تجدید چاپ می شوند و خواننده دارند. نادر ابراهیمی زاده ۱۴ فروردین ۱۳۱۵ در تهران بود. از مشهورترین داستان های این نویسنده، رمان هفت جلدی «آتش بدون دود» است؛ وجه تسمیه این رمان هفت جلدی که هر جلد آن به روایت سرگذشت مردمان تر کمین صحرا در دوره های مختلف تاریخی از دو قبیله «یموت» و «گوکلان» می پردازد، ضرب المثلی کهن در میان تر کمین هاست که می گوید: «آتش، بدون دود نمی شود و جوان، بدون گناه». نادر ابراهیمی اما آثار محبوب و پر مخاطب دیگری هم دارد از جمله «چهل نامه کوتاه به همسر» و «مردی در تبعید ابدی». او در دوره هایی از زندگی اش به فیلم سازی و نوشتن برای کودک و نوجوان هم مشغول بوده است. در ادامه این مطلب به مناسبت ۸۸ سالگی نادر ابراهیمی بیشتر از آثار وزندگی این مرد بزرگ خواهید خواند.

## شعله گیری «آتش بدون دود»

اگر چه با بالا رفتن قیمت کاغذ، شاید خریدن رمان هفت جلدی «آتش بدون دود» برای خیلی ها غیر ممکن باشد اما می توان دست کم آن را از کتابخانه ای به امانت گرفت، نسخه الکترونیکی اش را خرید یا به کتاب صوتی اش گوش داد. این رمان مهم ادبیات معاصر برای نویسنده سازی جایزه «نویسنده برگزیده ادبیات داستانی ۲۰ سال بعد از انقلاب» را به ارمغان آورد و جایزه نخست «تعلیم و تربیت یونسکو» و جایزه کتاب برگزیده سال ایران را هم از آن خود کرد. نادر ابراهیمی پیش از انقلاب، زمانی که هنوز جلد های چهارم تا هفتم «آتش بدون دود» را ننوشته بود، آن را در قالب سریال تلویزیونی هم ساخت که مخاطبان بسیاری در زمان خودش داشت. اسامی هفت جلد «آتش بدون دود» از این قرار است: «گلان و» «سولماز»

در خت مقدس، اتحاد بزرگ، واقعیت های پر خون، تو هرگز از حرکت باز نخواهی ایستاد و هر سرانجام سر آغازی است. احمد رضا احمدی، شاعر نوگرای معاصر که سال گذشته از دنیا رفت، درباره نادر ابراهیمی و کار بزرگ او در «آتش بدون دود» گفته است: «نادر ابراهیمی به ادبیات کودک ما، به رمان و ادبیات بزرگ سال و همچنین به زبان فارسی خدمت کرد و به اعتقاد من، رمان ایرانی بارمان «آتش بدون دود» نادر ابراهیمی آغاز می شود؛ نه با «شوهر آهوخانم» یا «علی محمد افغانی».

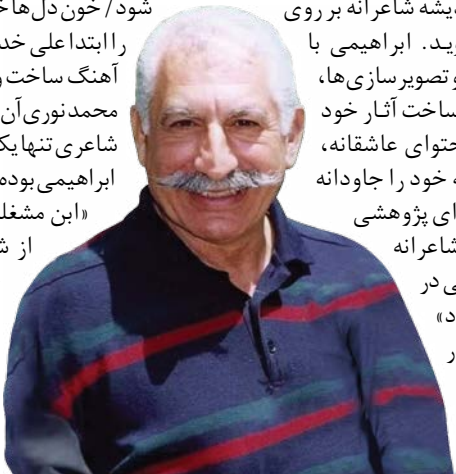
## شاعر انگی های ابراهیمی در آثارش

نثر نادر ابراهیمی در عین حال که روان و صمیمی است، شاعرانه هم هست. وقتی آثار او از جمله «چهل نامه کوتاه به همسر»، «بار دیگر شهری که دوست می داشتم»، «آتش بدون دود» و... را می خوانید، متوجه حریر نازک خیال و اندیشه شاعرانه بر روی کلماتش می شوید. ابراهیمی با آشنایی ز دایی ها و تصویر سازی ها، لایه بیرونی یا رو ساخت آثار خود را آراسته تا محتوای عاشقانه، انقلابی و عارفانه خود را جاودانه کند. در مقاله ای پژوهشی با عنوان «زبان شاعرانه نادر ابراهیمی در آتش بدون دود» آمده است: «نادر ابراهیمی با درآمیختن شعر

و داستان سبک تازه ای در داستان نویسی ابداع کرد که توانست با خلق تصاویر انتزاعی و آمیختن خیال و واقعیت، شخصیت بخشی به اشیا و پایبندی به عناصر و اصول داستان نویسی نوین افزون بر ایجاد رستاخیز در کلمات داستان خویش، جایگاه زبان را در ادبیات داستانی اعتلا بخشد.»

## شغل های مختلف ابوالمشاغل!

شاید کمتر کسی بداند ترانه مشهور «ما برای آن که ایران خانه خوبان شود» را که بیشتر ما با صدای استاد محمد نوری در خاطر داریم، نادر ابراهیمی سروده است، ترانه ای که با شنیدنش احساس شغف و غرور می کنیم و دوست داریم بارها و بارها زمزمه اش کنیم؛ «ما برای پرسیدن نام گلی ناشناس / چه سفرها کرده ایم / ما برای بوسیدن خاک سر قله ها / چه خطرها کرده ایم / ما برای آن که ایران گوهری تابان شود / خون دل ها خورده ایم». این ترانه را ابتداء علی خدایی خواند و برایش آهنگ ساخت و بعد از آن، زنده یاد محمد نوری آن را بازخوانی خالی از لطف نیست، حدود چهار هزار کتاب موجود در کتابخانه شخصی نادر ابراهیمی را در بر دارد. همچنین در این موزه فضای اتاق کار نادر ابراهیمی بازسازی شده و میراث علمی، ادبی، لوح های افتخار و جوایز ملی و بین المللی، دست نوشته های کتاب ها و تحقیقات، حاشیه نویسی ها، فیلم ها و نسخه های ابتدایی کتاب های این نویسنده به نمایش گذاشته شده است.



# مهی در حال پاک کردن آینده

نگاهی گذرا به مجموعه شعر سپید صابر سعدی پور

که دوست داشتن وطن / دست خودمان باشد / در کجای می شود / دوباره به دنیا آمد / پدر، مادر، وطن.... بعضی از چیزها المثنی نداره



حیدر کاسبی

culture@khorasannews.com

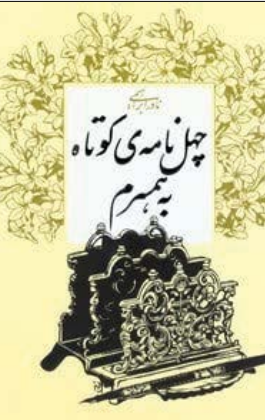
## مفهوم وطن از زاویه ای نو

گاهی غربت است که شکل پرداختن به موضوع وطن را عوض می کند: «مشغول تعبیر خوابی شدم / که دوست داشتم ببینم: / یک روز / یک هفته / یک ماه / یک سال بعد / چند ساله نورس / خود را به پنجره اتاقم می رساند / بهار را با خود می آورد / می گویم: / اگر راست می گوئید / وطن را با خود بیاورید». با همه این ها اما وطن در شعر سعدی پور از مفهوم جغرافیا فراتر رفته و به نوعی می توان گفت دارای شخصیت است؛ «وطن ات را می بینی / روی زمین ایستاده / وزل زده به تو». اگر چه سعدی پور اولین کسی نیست که این گونه به وطن جان بخشی می دهد، همان گونه که اولین کسی هم نمی تواند باشد که وطن اش را به شکل انسانی از بیرون می بیند اما تشبیه ها و نوع شخصیت بخشی اش از وطن خالی از لطف نیست: «این که وطنم هر روز از پیش چشمانم / با چوب دستی زیر بغل می گذرد / و هر بار آرزو کنی / برای

دیدن این صحنه ها / پنجره ای باشی / که حافظه اش به قدر یک ماهی هم نیست» در بیشتر مجموعه های شعر مخصوصا آن ها که به شعر سپید و به ویژه شعر آزاد پرداخته اند، معمولاً دیده می شود که شاعر بر مفهومی خاص تمرکز بیشتری دارد و این تمرکز اگر بیش از اندازه باشد، می تواند او را در دایره واژگان تکراری گرفتار کند. در کتاب «مهی در حال پاک کردن آینده» با این که تمرکز شاعر بیشتر بر مفهوم «وطن» است تا آن جا که بسامد کلمه و وطن در کتاب به وضوح دیده می شود، اما صابر سعدی پور از مفاهیم شاعرانه دیگری که باعث ایجاد جذابیت برای مخاطب می شوند هم استفاده کرده است.

## تنهایی، عشق و جنگ

تنهایی، عشق و جنگ هم مقوله های دیگری هستند که شاعر به آن ها پرداخته است. انگار سعدی پور خودش بهتر از هر کسی می داند از یک جایی به بعد کنشایش می تواند به سمت یکنواختی برود، برای همین هم هست که گاهی در دایره واژگان وطن، سرزمین و مترادفاتی از این قبیل فاصله گرفته و به مفاهیم دیگری می پردازد. مثلاً آن جا که از عشق سخن می گوید: «برنده ها اگر آواز نخوانند / می میرند / من اگر دوست



کارگری چاپخانه، حسابداری و تحویل داری بانک، صفحه بندی روزنامه و مجله و کارهای چاپ دیگر، میزبانی یک جبره فرش در بازار، مترجمی و ویراستاری، ایران شناسی عملی و چاپ مقاله های ایران شناختی، فیلم سازی مستند و سینمایی، مصور کردن کتاب های کودکان، مدیریت یک کتاب فروشی، خطاطی، نقاشی، طراحی روی روسری و لباس، تدریس در دانشگاه....

## بازدید از یادگارهای ابراهیمی در موزه ای به نام او

افتتاح موزه ای به نام نادر ابراهیمی در تهران با حاشیه های مختلفی همراه بود تا جایی که فرزند منصوری، همسر این نویسنده که دیگر ناامید شده بود، گفت مجبورم دست نوشته ها و یادگارهای نادر ابراهیمی را آتش بزنم. اما خوشبختانه این اتفاق نیفتاد و موزه نادر ابراهیمی سرانجام در دی ماه ۱۳۹۸ در خانه شعر و ادبیات تهران، جنب باغ کتاب افتتاح شد. این مجموعه که بازدید از آن برای اهالی فرهنگ و دوستداران این نویسنده خالی از لطف نیست، حدود چهار هزار کتاب موجود در کتابخانه شخصی نادر ابراهیمی را در بر دارد. همچنین در این موزه فضای اتاق کار نادر ابراهیمی بازسازی شده و میراث علمی، ادبی، لوح های افتخار و جوایز ملی و بین المللی، دست نوشته های کتاب ها و تحقیقات، حاشیه نویسی ها، فیلم ها و نسخه های ابتدایی کتاب های این نویسنده به نمایش گذاشته شده است.



نداشته باشم / پروانه ها اگر پرواز نکنند / تو اگر دوست نداشته باشی. / قانون اثر پروانه ای را شنیده ای؟ / کافی است / اتفاقی / آن سوی دنیا به من فکر کنی / تا این سوی دنیا / برایت توفان به پا کنم» و در سطرهایی از کتاب، صلح را آرزو دارد و شعرهای ضد جنگ می نویسد: «ایمن یا سوریه / افغانستان /... / فرقی نمی کند. / جنگ برای خودش خدایی است / سرت را که بلند کنی / از پوست سرت به تونز دیک تر می شود».

در نهایت می توان گفت این مجموعه شعر به دلیل این که بین چندین مفهوم در رفت و آمد است، نمی تواند مجموعه یکدستی باشد. این البته نه نقطه ضعف این کتاب محسوب می شود و نه می تواند نقطه قوت آن باشد.

ادبی

## نظر منتقدان درباره آخرین کتاب چاپ شده مارکز



از «تا آگوست» باید به عنوان رمانی «باز کشف شده» یاد کرد که مارکز استاد کلمبایی در حالی را نوشت که حافظه اش شروع به نقصان کرده بود.

به گزارش خبرگزاری مهر، در حالی که آخرین رمان گابریل گارسیا مارکز، ۱۰ سال پس از مرگش بنا به تصمیم پسرانش و خلاف میل این نویسنده منتشر شده، منتقدان صاحب نظر امتیازهایی از تا آگوست را به این رمان داده اند.

## داستانی میکروسکوپی

پس از مروری بر نقد نویسنده نیویورک تایمز، گلچینی از دیگر نقدهایی که بر این کتاب نوشته شده، در ادامه می آید. مایکل گرینبرگ منتقد نیویورک تایمز در نقد خود نوشت: «تا آگوست» احتمالاً آخرین کتابی است که از گابریل گارسیا مارکز برنده جایزه نوبل منتشر می شود. تصور خدا حافظی با نویسنده «صدسال تنهایی» (۱۹۶۷) که در های ادبیات آمریکای لاتین را با قدرت می هم پای «د کارون» بوکاپو در قرن چهاردهم باز کرد، دشوار است. درباره «تا آگوست» با ترجمه ای زیر کانه توسط آن مک لین، باید گفت داستانی میکروسکوپی است که محتوای آن برای این که بتوان آن را یک رمان نامید، کافی نیست و خواندن آن ممکن است موجب بروز ناامیدی در کسانی شود که با آثار گارسیا مارکز آشنا هستند.

ناامیدی اجتناب ناپذیر خوانندگان از «تا آگوست» ممکن است تا حدودی متوجه دو پسر و مدیران ادبی گارسیا مارکز باشد که اجازه انتشار این رمان را داده اند و این کار را با وجود آن انجام دادند که پسرشان خواست خود را به وضوح به آن ها گفته بود. مارکز به آن ها گفته بود: «این کتاب فایده ای ندارد. باید نابود شود».

## اثری نیمه صیقل یافته

همچنین نادال سوآو منتقد آل پاپس در نقد این کتاب نوشته است: نسخه ای که مارکز برای خانواده اش باقی گذاشته، اگر چه تمام شده اما اثری نیمه صیقل یافته است که این امر در هر صفحه اش دیده می شود. در واقع نسخه نهایی نویسنده نیست اما تمام شده است. در بدو امر (راستش را بخواهید) خیلی بهتر از چیزی است که می ترسیدم باشد و فضیلت هایی دارد که چه کسی می تواند دوستش نداشته باشد؟ لذت بردن از دیدار مجدد نویسنده ای که از دیدنش خوشحال می شویم... در هر حال هر چند اصلاً بهترین زمانی نیست که در این ماه یا امسال منتشر می شود اما بدترین هم نیست، بدیهی است چیز دیگری است، اما برای من خوب است.

## آخرین ترانه گابریل

منتقد اکونومیست نیز در این باره نوشته است: صدای استاد به یقین در «تا آگوست» شنیده می شود. مارکز در این کتاب بار دیگر مشارکت ها و اجبارهای پیچیده عشق و زندگی را که موضوع مورد علاقه اش است، ترسیم می کند و با نثر دقیق و واضح خود که به زیبایی به انگلیسی ترجمه شده، دنیای جدیدی خلق می کند؛ فضایی که تعداد کمی از نویسندگان دیگر می توانند به آن برسند؛ اما در این کتاب او به حدی که ممکن بود در دوران اوج خود داشته باشد، دست نمی یابد. طرفداران سرسخت او از این ترانه پس از مرگ خوشحال خواهند شد و شاید دلتنگی جزئی در فرصت طلبی تجاری برای انتشار آن باقی بماند.

## معمای در خواست نابودی آخرین اثر مارکز

کریس پاور منتقد فاینشال تایمز هم در مواجهه با این کتاب می نویسد: «تا آگوست» لذت های لحظه ای را ارائه می کند، اما آشکارا ناتمام است و جملات خاصی هست که به خواننده کمک می کند بفهمد چرا او می خواست این کتاب نابود شود. لوسی هیوز، به حالت منتقد گابریل دین نوشته است: هیچ کس، به جز تبلیغاتی هایی که کارشان این است، وانمود نمی کند که این یک شاهکار است که فراموش شده اکنون دوباره به دست آمده است... با این حال سبک روایت جالب است و رمان بیشتر شبیه پرداختن به فیلم است: مشاهده فراوان، اندک توجه به مسائل درونی... خطاهای کوچکی هم در تدویم داستان وجود دارد. ساختار نامناسب است و مهم تر از آن، نثر اغلب به طرز وحشتناکی پیش پا افتاده است و نحو آن نادقیق... با همه این ها این کتاب کوچک مانند یک سوغاتی رنگ و رو رفته است، زیبا، اما به دلیل ارتباطش با دنیای خیالی افسانه ای که گارسیا مارکز در دوران اوج خود ساخته، ارزشمند است.



## قرار داد ارائه طرح، احداث، بهره برداری و تحویل زمین چمن مصنوعی دانشکده مهندسی

بدینوسیله به اطلاع کلیه اشخاص حقیقی، حقوقی، شرکتها و سازمانهای دولتی می رساند دانشگاه فردوسی مشهد در نظر دارد جهت ارائه طرح، احداث، بهره برداری و تحویل زمین چمن مصنوعی دانشکده مهندسی در آرای بهره برداری از زمین چمن مصنوعی اقدام به برگزاری فراخوان عمومی نماید. لازم به ذکر است بهره برداری از مکان مذکور نیازمند اخذ مجوزهای لازم از مراجع ذیصلاح می باشد.

مقتضیان شرکت در فراخوان مطابق با زمانبندی ذیل فرصت دارند تا نسبت به تهیه مدارک فیزیکی فراخوان از دانشگاه و تحویل آنها اقدام نمایند.

مواعید زمانی:

– تاریخ انتشار فراخوان: ۱۴۰۲/۰۱/۱۴ و ۱۴۰۳/۰۱/۱۵

– مهلت دریافت اسناد فراخوان: از تاریخ انتشار فراخوان تا ۱۴۰۳/۰۱/۲۰ ساعت ۱۴:۰۰

– مهلت ارسال پیشنهادات: ۱۴۰۳/۰۲/۰۱ ساعت ۱۴:۰۰

– زمان بازگشایی پاکت ها: ۱۴۰۳/۰۲/۰۱ ساعت ۱۲:۰۱

– روزهای مراجعه به دانشگاه: جهت دریافت اطلاعات بیشتر، در وقت و تحویل اسناد: مشهد، میدان آزادی، پردیس دانشگاه فردوسی مشهد، سازمان مرکزی

طبقه اول اتاق ۱/۲۵۲ (تلفن ۲۳۴۴-۳۸۸۰-۰۵۱)

هزینه چاپ آگهی بر عهده برنده مناقصه است.